

یک نقشه تازه از جهان

اشاره:

«جهانی شدن» فرآیندی است که کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به بررسی جوانب گوناگون آن، مزیت‌ها و مضارث می‌پردازند. اما در این میان آنچه کمتر مورد توجه است، مباحث اجتماعی و فرهنگی این فرآیند می‌باشد و تاکنون بیشتر مزیت‌های اقتصادی آن مدنظر دولتمردان و سیاست‌گزاران بوده است.

در جهانی که فقر و بیماری بیش از نیمی از جمعیت آن را تهدید می‌کند، «جهانی شدن» می‌بایست همانا پیوند عمیق میان ملت‌ها در رفع معضلات جهانی را نوید دهد. اما آنچه تاکنون در صحنه بین‌المللی (نشست‌های سران کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، عملکرد مؤسسات بین‌المللی و...) مشاهده شده، توجه بسیار نازل به وضعیت کشورهای درحال توسعه به ویژه در زمینه بهداشت و آموزش و پرورش، آماده‌سازی زمینه برای انتقال فناوری و راهیابی کشورهای یادشده به بازارهای جهانی بوده است.

گزارشی که با عنوان «یک نقشه تازه از جهان» در نشریه «اکنومیست» چاپ لندن منتشر شد، نگاه جدیدی به فرآیند جهانی شدن دارد و معضلاتی که دنیا با آن روبه‌رو است را تشریح کرده است.

این گزارش را که توسط لیلی عمرانی ترجمه و تلخیص شده، با هم می‌خوانیم.

می‌دهد، تقریباً تمام نوآوری‌ها و فناوری جهان را در دست دارد و تأمین می‌کند.

بخش دوم، شاید با نیمی از جمعیت جهان سروکار دارد که قابلیت پذیرش این فناوری‌ها را در تولید و مصرف دارد. بخش باقیمانده، حدود یک‌سوم جمعیت جهان را دربرمی‌گیرد که با فناوری بی‌ارتباط است، نه در داخل دارای نوآوری است و نه فناوری خارجی را می‌پذیرند.

شرقی توصیه‌ها و مشاوره‌هایی را ارائه داده است.

با پایان گرفتن جنگ سرد، تقسیمات کهنه ایدئولوژیکی به سر آمده است. در واقع، تمامی کشورها ادعا می‌کنند که نسبت به بازارهای جهانی وفادار هستند و از آنها تبعیت می‌کنند. لیکن یک تقسیم‌بندی خودسرانه‌تری در حال شکل‌گیری است که این بار بر مبنای «فناوری» است.

بخش کوچکی از کره زمین که ۱۵ درصد جمعیت آن را تشکیل

جفری ساکس، مدیر مرکز توسعه بین‌الملل و استاد تجارت بین‌الملل در دانشگاه هاروارد در مورد «جهانی شدن» می‌گوید: «جهان امروز نه تنها با ایدئولوژی، بلکه برحسب فناوری تقسیم‌بندی شده است.»

وی می‌گوید: این تقسیم‌بندی مهم، مستلزم تفکر جورانه جدید در مورد امر توسعه است.

ساکس که در ضمن یک نویسنده پرکار است، به دولتهای بسیاری از کشورهای روبه توسعه و اروپای

این مناطق فاقد فناوری همیشه با مرزهای کشور منطبق نیستند. آنها شامل جنوب مکزیک و مجموعه‌ای از کشورهای استوایی امریکای مرکزی هستند، مانند کشورهای حوزه آند، اکثر برزیل استوایی، کشورهای استوایی صحرای آفریقا، اکثر جمهوری‌های شوروی سابق (به غیر از مناطقی که بیشترین نزدیکی را با بازارهای اروپا و آسیا دارند)، بخش‌های بسته آسیا همچون کشورهای دره گامبجز (Ganges) هند، لائوس و کامبوج و استان‌های داخلی چین.

(همکاران من میشل بورتر و آندره وارنر درصدد تنظیم شاخص‌های پیشرفته این تقسیمات جدید فناوری و تایید اهمیت آنها در ایجاد رشد هستند) بسیاری از مناطق فاقد برخورداری از فناوری به ویژه مناطق جنوب خط استوا در دام فقر گرفتار هستند.

مشکلات عمده آنها، بیماری‌های عفونی استوایی، بهره‌وری کم کشاورزی و بدی وضعیت محیط زیست است که رفع آنها به راه‌حل‌های فناوری نیاز دارد.

گاهی اوقات، فناوری موردنیاز در خارج از کشور موجود هستند، ولی آن کشورها برای خرید فناوری‌های یادشده بسیار فقیر هستند. فناوری‌ها اغلب در شکل‌های مناسب وجود ندارند و بازارهای کشورهای فقیر انگیزه‌هایی را برای پژوهش و توسعه ارائه می‌دهند.

اینک زمان آن فرا رسیده که کشورهای غنی این امر را تشخیص دهند و به آن پاسخ دهند.

ساکس متذکر می‌شود که مرزهای جدید جهان تثبیت و تعیین شده نیستند. برای مثال بسیاری از کشورهای فاقد فناوری نوین می‌توانند به زودی به کشورهای پذیرای آن تبدیل شوند و معدودی از آنها مانند تایوان، کره جنوبی و اسرائیل پیشرفت کرده و از یک گروه متوسط به نوآورانی در سطح بالا تبدیل شده‌اند. لیکن چنین انتقالی از حالت خودکار فاصله دارد.

اگر بیشتر ۲ میلیارد نفری که در کشورهای فاقد فناوری زندگی می‌کنند بخواهند به منافع حاصله از جهانی شدن ملحق شوند، باید سه مسأله رخ دهد: اول آنکه باید به ویژگی پذیرش فناوری در اقتصاد جهانی شامل جغرافیا و بهداشت عمومی کاملاً فکر شود و باید اکولوژی وارد تحلیل تغییر فناوری و رشد اقتصادی شود.

دوم آنکه دولت‌ها باید گرایش خود را نسبت به کمک‌های مالی و هزینه بیشتر، آگاهانه تغییر دهند.

سوم آنکه مشارکت در ماعدت‌های بین‌المللی باید گسترش یابد. شرکت‌های چندملیتی و دانشگاه‌های جهان اول و همچنین نهادهای علمی جهان باید در ابتدا تعهد قبول کنند و مؤسسه‌های رسمی مربوط به توسعه جهانی (مثل صندوق بین‌المللی، بانک جهانی و مؤسسه‌های مختلف وابسته به سازمان ملل) اصلاح شوند.

تفکر مجدد نسبت به موضوع جهانی شدن

توسعه به طور سنتی به منزله موضوع تجمع و تراکم سرمایه‌های فیزیکی و انسانی نگریسته می‌شود.

فرض بر این است که کشورهای فقیر وقتی که جذب نوآوری شوند، در این مقوله دارای امتیاز هستند. برای مثال جایی که سرمایه کمیاب است، برگشتی‌های سرمایه‌گذاری جدید باید زیاد باشند و باید سپرده‌ها را افزایش دهد و سیل ورود سرمایه از خارج به داخل کشور را زیاد کند. از این رو اختلاف بین غنی و فقیر کم می‌شود و این روندی است که به «همگرایی» معروف است.

ولی ما اینک می‌دانیم که فناوری احتمالاً کمتر از سرمایه همگرایی دارد. نوآوری نشان‌دهنده افزایش برگشتی‌های سرمایه است، بدین معنا که مناطق دارای فناوری پیشرفته بهترین موقعیت را از نظر نوآوری بیشتر دارند.

ایده‌های جدید به طور معمول از ترکیب مجدد ایده‌های موجود به وجود می‌آیند، از این رو محیط‌های زیستی که از نظر ایده غنی هستند، واکنش‌های زنجیره‌ای از نوآوری را ایجاد می‌کنند. ولی در مورد واکنش‌های هسته‌ای، مجموعه مهمی از ایده‌ها و فناوری در ابتدا مورد نیاز هستند.

در ضمن انگیزه نوآوری بستگی زیاد به اندازه بازار دارد. نوآوری مستلزم هزینه‌های ثابت است.

اما این ایده‌های خوب در نهایت به پیچیدگی‌های بیشتر منجر می‌شود.

بازارهای آزاد کافی نیستند. نوآوری موفق به حمایت از مؤسسات نیاز دارد. نوآوری بازرگانی در واقع محصولی مرکب از بصیرت اساسی علمی و مهندسی است.

مورد اول، وابسته به دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌های دولتی و مورد دوم متکی به شرکت‌های خصوصی و سودده است.

نوآوری موفق مستلزم آن است که دانشگاه‌ها، دولت‌ها و صنایع تحت کنترل، فعالیت کنند. اینترنت یک مورد آشنا در این زمینه است.

در کشورهای درحال توسعه، از عمل متقابل ثمربخش از این نوع، چیزی شنیده نشده است. فقط معدودی از دولت‌ها دارای یک مشاور علمی هستند.

نتایج نویدکننده هستند. تعداد ۴۸ کشور هر یک با بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۹۹۵ وجود داشتند که دست‌کم نیمی از آنها با جمعیتی در مجموع بالغ بر ۷۵۰ میلیون نفر در مناطق استوایی، فقط ۴۷ مورد از ۵۱۰۰۰ امتیازنامه آمریکایی را که برای سرمایه‌گذاران خارجی در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، به سرمایه‌گذاران اعطا می‌کردند. البته، ظرفیت فناوری یک اقتصاد نه فقط به نوآوری‌های آن، بلکه به ظرفیت آن در قبول فناوری ایجاد شده در جاهای دیگر، بستگی دارد.

این مهم می‌تواند از طریق مسیر اصلی صورت گیرد. کشورها می‌توانند فناوری در سرمایه و کالاهای مصرفی (تلفن‌های همراه، دستگاه‌های نامبر، رایانه‌های شخصی و...) را وارد کنند و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را با اعطای مجوز، جذب نمایند. به طوری که یک شرکت چندملیتی با فناوری اختصاصی بتواند یک مرکز

تولید را در داخل مرزهایشان ایجاد کند.

در همه این موارد، کشورها می‌توانند از طریق اعطای سود سهام به سرمایه‌گذاران خارجی اقدام کنند و در جذب فناوری موفق شوند.

بسیاری از اقتصاددانان می‌پندارند که همه کشورهای روبه توسعه به‌طور مساوی در جایگاه مناسبی هستند که بتوانند فناوری‌ها را از خارج جذب کنند، ولی این یک تفکر واهی و پوچ است. مسیر انجام این کار هر چه باشد، شرایط جغرافیایی مهم هستند.

واردکنندگان موفق فناوری تمایل دارند به بازارهای بزرگ یا مسیرهای اصلی دریایی و یا هر دو نزدیک شوند.

فناوری به سراسر مرزها و کشورهایمانند مکزیک یا به لهستان و مجارستان، همایگان اتحادیه اروپا یا به سواحل چین، سنگاپور، هنگ کنگ، شهرهای بندری جنوب شرقی آسیا و بخش‌های جنوب هند، راه یافته است.

این پدیده به سادگی نمی‌تواند به مناطق کوهستانی دورافتاده مثل کشورهای حوزه آند، کشورهای روبه توسعه آسیای مرکزی یا مناطقی که از بنادر دریا دور هستند، مثل شماری از شهرهای چین یا شمال هند، راه یابد.

کشورهایی که با فناوری جهانی همراه نیستند، اغلب از هم فروری‌باشند و سقوط می‌کنند و حتی قادر نیستند وضعیت معاش خود را تنظیم کنند.

آنها معمولاً به میزان کمی از صادرات وابسته هستند که به تدریج سوددهی خود را در اقتصاد جهانی از دست می‌دهند.

فیر نوری جای مس را می‌گیرد و مواد مصنوعی جدید جای کانوچوی طبیعی و الیاف کتفی را می‌گیرد.

کاهش مستمر سهم کالاهای اولیه و مواد خام در تجارت جهانی در درازمدت در واقع اثر جنبی نوآوری است.

اکثر کشورهای فقیر رشد سریع جمعیت را تجربه می‌کنند، مگر آنکه شهرنشینی، تعلیم و تربیت زنان و به ویژه کاهش مرگ و میر کودکان موجب شود که مردان و زنان زادوولد خود را کاهش دهند.

در کشورهایی که رشد فناوری روندی بطنی دارد، مشاغل شهری معدود هستند، زیرا عقب‌ماندگی فناوری، محدود شدن قدرت رقابت آنها در صادرات تولیدات کارخانه‌ای و خدمات شهری را موجب شده است. در این کشورها مرگ و میر کودکان همچنان در سطح بالایی است.

خانواده‌ها به زادوولد ادامه می‌دهند، از این رو سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و آموزش هر یک از افراد خانواده کمتر می‌شود و جمعیت به سرعت افزایش می‌یابد. این روند رشد جمعیت به آسیب‌های زیست محیطی مانند قطع جنگل‌ها و جنگل‌زدایی منجر می‌شود که زندگی همه افراد را تهدید می‌کند.

تفکر مجدد در مورد کمک‌های مالی

اکثر جمعیت جهان، شاید ۲ میلیارد نفر یا بیشتر، نمی‌توانند در منافع رشد جهانی بدون تغییر کامل در راهبرد بین‌المللی سهم باشند. این

امر باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد:

۱- سلامت یا بهداشت عمومی و جمعیت

میزان قابل توجه بیماری در کشورهای فقیر به ویژه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا به طور همزمان یک فاجعه انسانی است و مابقی بر سر راه رشد و توسعه محسوب می‌شود و تهدیدی برای مناطق برخوردار از تنوع حیاتی بالا می‌باشد. کودکان بیمار اغلب با یک دوره زندگی با بهره‌وری کم روبه‌رو هستند، زیرا نمی‌توانند مانند سایر کودکان به مدرسه بروند و در تعلیم و تربیت آنها انقطاع وجود دارد.

تلاش‌های کشورهای اعطاکننده کمک‌های مالی به کشورهای فقیر برای کنترل بیماری‌های عفونی، کم است.

حمایت مالی جهانی برای کنترل بیماری مالاریا در آفریقا احتمالاً کمی بیش از ۵۰ تا ۷۵ میلیون دلار در سال است. این در حالی است که مالاریا سالانه جان شاید ۲ میلیون نفر را می‌گیرد. یک میلیون نفر آنها به طور مستقیم بر اثر ابتلا به بیماری مالاریا می‌میرند و یک میلیون نفر دیگر به خاطر بیماری‌هایی که مالاریا یک عامل آن است، جان می‌دهند. در دهه گذشته تلاش کشورهای اعطاکننده مالی برای کنترل بیماری ایدز در آفریقا سالانه کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار بوده است.

این بیماری در حال حاضر سالانه بیش از ۲ میلیون قربانی در آفریقا می‌گیرد و هر ساله ۴ میلیون نفر به

این بیماری مبتلا می‌شوند و حدود ۲۳ میلیون نفر آفریقایی به طور کلی به این بیماری مبتلا هستند.

حمایت‌های مالی برای ایجاد مصونیت در برابر این بیماری بسیار ناچیز است، به طوری که مردم بسیاری از کشورهای فقیر مانند آنچه به طور معمول سالهاست که در کشورهای غنی در مقابل این بیماری واکنش می‌شوند، هنوز واکنش نشده‌اند.

بنیاد «گیتز» (Gates) با اعطای بیش از ۱ میلیارد دلار در نظر دارد به این مشکل اضطراری کمک کند.

قرار است تلاش جدی در مبارزه صحیح با بیماری‌های عفونی مهلک به عمل آید.

دولت کلیستون دریافته بود که ایدز در جهان روبه توسعه به یک معضل امنیت ملی برای ایالات متحده تبدیل شده است. زیرا این بیماری بالقوه می‌تواند مناطق وسیعی را بی‌ثبات و متزلزل کند. رهبران کشورهای آفریقایی به تازگی خواستار اخذ کمک و حمایت مالی به میزان ۱ میلیارد دلار در سال شده‌اند تا بتوانند مالاریا را ریشه‌کن کنند.

سازمان ملل خواستار ۴ میلیارد دلار دیگر در سال برای کنترل بیماری ایدز شده است.

در ضمن چند میلیارد دلار دیگر برای کنترل بیماری واگیردار سل مورد نیاز است. در همین حال میلیون‌ها نفر به خاطر ابتلا به سرخچه و سرخک، بیماری‌های اسهالی و سایر بیماری‌های مسری جان خود را از دست می‌دهند.

به طور کلی این ابتکار عمل‌ها مستلزم وجود کمک‌های مالی به میزان ۱۰ میلیارد دلار در سال از سوی کشورهای غنی است.

۲- اتصال مناطق در حاشیه گذارده شده

در سال‌های اخیر پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی «نفتا» کشور مکزیک را ملزم کرد از اقتصاد با فناوری بالای جهانی استفاده کند و اتحادیه اروپا تریبالات جدید تجاری را با همکاری شمال آفریقا و اروپای مرکزی اتخاذ کرده است. این رهیافت‌های ترجیحی به میزان زیادی به سوددهی‌های فوری کمک کرد، ولی به مناطق دورافتاده لطمه زد.

در همین حال وضعیت خطوط کشتیرانی جهانی مسایل را وخیم‌تر کرد. به این صورت که مسیرهای تجاری که تجار در حاشیه را با بازارهای بزرگ متصل می‌کرد، کمتر از مسیرهای با حجم بالا رقابتی بودند.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باید رهیافت جدیدی را در کمک به مناطق در حاشیه گذارده شده تصویب کنند تا این که آنها به اقتصاد جهانی متصل شوند.

هر دوی این مؤسسات بهره‌گیری از انگیزه‌های خاص همچون مناطق صادراتی، معافیت‌های مالیاتی و پروژه‌های مشترک بین دولت‌های میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی را رد کرده‌اند، گرچه که این شیوه‌ها برای سایر کشورها مؤثر بوده است.

وقتی کاستاریکا می‌خواست سرمایه‌گذاری شرکت «ایستل» را

جذب کند، انگیزه‌هایی را پیشنهاد کرد. اسرائیل نیز همان کار را کرد. رشد سریع ایرلند با حمایت کاهش نرخ‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت گرفت.

کشورهای غنی و فقیر می‌توانند پروژه‌های همیاری را برای آوردن فناوری‌های جدید به مناطق حاشیه‌ای طراحی کنند و در هزینه‌های مالی آن سهیم شوند.

فناوری اطلاعات نیز فرصت عظیم دیگری را ارائه می‌دهد. زیرا می‌توان بر بی‌امتیازهای مسافت، فایق آید.

یک منطقه بسته مانند مغولستان به یقین دارای امتیازی نسبی در صادرات خدمات فناوری اطلاعاتی (مانند نرم‌افزار، بازاریابی از راه صدور)، در مقایسه با سازندگان با گرایش صادراتی است.

آمریکا دارای یک سیاست صنعتی پیشرفته برای ارتقای فناوری اطلاعاتی است. حتی مهمتر از همه، رهبری سیاسی کشورهای رو به توسعه باید با رهبران صنایع فناوری اطلاعاتی برای توسعه سیاستهای رشد سریع در کشورهای فقیر همکاری کنند.

۳- حفظ پیشرفت فناوری

هسته مرکزی در تقسیم جهانی، نابرابری وسیع در نوآوری فناوری است. سیاست جهانی‌سازی موجب خدشه‌دار شدن سطح این مشکل مرکزی شده است. بانک جهانی حدود ۵۰ میلیون دلار در سال به امر تحقیقات کشاورزی مناطق استوایی اختصاص داده است و حدود ۱۰ میلیون دلار برای تحقیقات بهداشتی و کمی بیشتر برای اعطای سایر وام‌ها

منظور کرده است. این در حالی است که بودجه پژوهش و توسعه شرکت دارویی «مرک» در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار بود.

مدل رقابتی همانا بنیاد راکفلر است. مؤسسه توسعه‌ای که در قرن بیستم نشان داد اعطای کمک مالی بلاعوض برای بسط دانش چقدر می‌تواند مؤثر باشد.

کمک‌های مالی راکفلر به ریشه‌کشی کرم روده در جنوب آمریکا، کشف واکسن تب زرد، ساخت پنی‌سیلین، ایجاد مدارس بهداشت عمومی در سراسر جهان بسیار مؤثر بوده است.

بنیاد راکفلر به ایجاد دانشکده‌های پزشکی در تمام بخش‌های جهان، ایجاد و تأمین مالی مراکز بزرگ پژوهشی مانند دانشگاه شیکاگو و مؤسسه بروکینگز (Brookings)، دانشگاه راکفلر و دفتر ملی تحقیقات اقتصادی، کنترل بیماری مالاریا در برزیل، ایجاد مراکز تحقیقاتی که انقلاب سبز را در آسیا ایجاد کرد، کمک زیادی کرده است.

هیچیک از این کارها با کمک وام‌های مشروط به کشورها صورت نگرفته است. بنیاد راکفلر به‌طور اساسی با دانشگاه‌ها و دولت‌ها همکاری کرده است. راهبرد جدید ارتقای فناوری باید بر اساس همکاری‌های دانشگاهی، صنایع و دولت‌ها و با مشارکت کشورهای غنی و فقیر صورت گیرد.

گام نخست آن است که شرکت‌های بین‌المللی با فناوری پیشرفته قول بدهند همکاری فناوری خود با کشورهای روبه توسعه را با توجه به تعهد زیادتر کشورهای فقیر در افزایش دانش و فناوری خود، افزایش دهند.

شرکت‌های بزرگ داروسازی صدها میلیون دلار برای تهیه دارو به کشورهای فقیر می‌دهند و تحت فشار زیاد توافق کرده‌اند داروهای ضدایدز را با قیمت پایین به آن کشورها بفرستند، ولی آنها می‌توانند کارهای بیشتری انجام دهند.

در سطح «دولت با دولت»، جامعه بین‌الملل باید تعهد محکمی برای ارتقای ظرفیت تحقیقاتی و فناوری در کشورهای فقیر به عمل آورد.

این کمک‌ها به هیچ وجه دستور کار جدید سیاست حرکت به سوی جهانی‌سازی را تهدید نمی‌کند.

مؤسسات «برتون وودز» باید از الگوی ارتباط با جهان سوم به شیوه کنونی دوری کند و در عوض تلاش خود را صرف نگرانی‌های موجود در مورد فناوری، بیماری و محیط زیست کند.

بانک جهانی باید در نظام وام‌دهی تجدیدنظر کند و بیشتر در جهت بالا بردن سطح دانش کشورهای رو به توسعه تلاش نماید.

نهادهای وابسته به سازمان ملل به ویژه سازمان بهداشت جهانی باید تجدید سازماندهی شوند و توسعه یابند. صندوق بین‌المللی پول باید به نظارت بر بازارهای مالی جهانی پردازد.

دعوا بر سر ایدئولوژی تمام شده است. سلامت و رفاه در کشورهای غنی به بالاترین میزان خود رسیده است، در حالی که وضعیت بحرانی فقیرترین کشورهای جهان حاد شده است و کمبودهای راهبرد کنونی جهانی‌سازی به طور دردناکی هویدا شده‌اند. رهبران جهان باید به بررسی جوانب مختلف «جهانی‌شدن» پردازند.